یادداشت

ارتباط ایران و افغانستان

فداحسین مالکی

سفیر سابق ایران در افغانستان

از زمان روی کار آمدن طالبان، بسیاری از سیاست‌ها و تحولات کشورهای منطقه دچار اما و اگر شد. با توجه به رویکردی که طالبان طی چند سال گذشته داشتند و نوع نگرشی که امروز دارد متفاوت از دولت‌های قانونی افغانستان است و در نتیجه روابط و رویکرد کشورهای همسایه نیز متفاوت از رویکردشان نسبت به دولت‌های قانونی است. با این حال رویکرد جمهوری اسلامی ایران که یک حوزه وسیع تمدنی با مردم افغانستان دارد، متفاوت است و با رفت و آمد دولت‌ها تغییری نمی‌کند و روابط ما مبتنی بر رابطه با مردم این کشور است و اگر خاطر شما باشد رهبری هم به این مساله تاکید کردند، البته به یاد داریم که روابط دولت‌های قانونی کابل نیز نسبت به ایران با هم متفاوت بود و برای مثال رویکرد آقای کرزای این بود که اگر افغانستان یک قطره آب داشته باشد، باید نیمی از آن را در اختیار ایران قرار دهد و این رویکردی قانونی و نشات گرفته از ثبات در این کشور بود و این رویکرد هیچ‌گاه تحت تاثیر فشارهای خارجی قرار نگرفت، اما رویکرد آقای اشرف غنی متأثر از فشارهای خارجی بود و مزاحمت‌هایی را هم برای ما ایجاد کرد اما برخورد ما با طالبان کاملا متفاوت است؛ امروز روابط ما رابطه با مردم افغانستان است و ما به لحاظ حمایت از مردم این کشور در افغانستان ماندیم، مرزها را نبستیم و کمک کردیم. بارها تاکید کرده‌ایم کشورهای همسایه در معادلات سیاسی افغانستان تاثیرگذار هستند. همچنین تاکید کرده‌ایم که برای ایجاد ثبات و امنیت باید دولت فراگیر تشکیل شود و جامعه بین‌الملل هم همین تاکید ایران را دارد، اما طالبان در درون خودش نیز اختلافات جدی دارد و برای پذیرش پیشنهاد همسایگان یکپارچه نیستند. در نتیجه همین اختلافات درونی هم بی‌ثباتی در افغانستان وجود دارد و طبیعی است که کشور شرایط خاص بحرانی داشته باشد. حملات تروریستی اخیر هم به همین دلیل است. ما جلساتی با طالبان داریم و این موارد را طرح می‌کنیم. نباید فراموش کرد که شناسایی و به رسمیت شناختن طالبان فعلا در دستور کار ما نیست اما ارتباطات مردمی وجود دارد و در جلسه با آقای وحیدی وزیر کشور هم تاکید کردیم موضوع ارتباطات مردمی باید جدای از مساله حاکمیت طالبان مورد بررسی قرار بگیرد. تاکید هم بر این است که طالبان باید قواعد بین‌المللی را بپذیرد و موضوع حقابه اولویت اول ماست. اگر طالبان بپذیرد که دولت فراگیر تشکیل شود، ثبات بر این کشور حاکم خواهد شد و همه اقوام می‌توانند مشارکت داشته باشند. طبیعی است که جمهوری اسلامی ایران دوستان زیادی در افغانستان دارد و در زمان سردار سلیمانی ارتباطات گسترده‌ای با عامر صاحب شهید احمدشاه مسعود، مارشال فهیم و استاد ربانی وجود داشت و نقدهایی که امروز از سمت مخالفان وجود دارد چیزی نیست که ما از آن غافل شویم و برخورد با این گروه‌ها هم هیچ‌گاه مورد تائید جمهوری اسلامی ایران نبوده و نخواهد بود.

فراسو

حسن بهشتی‌پور:

انعطاف ایران و آمریکا شرط خروج برجام از کُما است

یک تحلیلگر ارشد مسائل هسته‌ای در پیش‌بینی از وضعیت برجام با توجه به بن‌بست ایجادشده بر سر تحریم‌های سپاه، اظهار داشت: بهترین تعبیری که درباره برجام می‌توان به‌کار برد این است که برجام به کُما رفته است. در واقع پس از مذاکرات، برجام تا حدودی از کُما خارج شد اما مجددا به کُما رفته است. حسن بهشتی‌پور گفت: اساس تحلیل بنده این است که هم ایران و هم آمریکا نیاز دارند به اینکه برجام اجرا شود، بنابراین فرض بر این است که به‌رغم همه مشکلاتی که وجود دارد دو طرف باید برای آن راه‌حلی پیدا کنند. وی عنوان کرد: بنابراین آمریکایی‌ها براین‌باورند که اگر قرار است ما درباره تروریست بودن سپاه و خروجش از لیست حامیان تروریست گفت‌وگو کنیم باید درباره موضوعات غیربرجامی مذاکره کنیم. در نتیجه آنها می‌گویند ایران باید تعهد بدهند و یا آمادگی داشته باشند درباره موضوعات فوق بحث کند. در مقابل ایران نمی‌پذیرد به‌ویژه آنها بحثی را مطرح کردند مبنی بر اینکه ایران بحث ترور سردار سلیمانی را پیگیری نکند. وی ادامه داد: اینها مسائل و شرایطی است که در مطبوعات آمریکا مطرح شده اما به طور رسمی اعلام نگردیده در مجموع نه ایران و نه آمریکا در ارتباط با این موضوعات کوتاه نیامده‌اند؛ بنابراین باید اصل را بر این مساله گذاشت که دو طرف برای خارج شدن از این وضعیت انعطاف نشان دهند به‌ویژه ایران؛ زیرا فشارهای اقتصادی روی دوش مردم است و این مشکل اساسی در اقتصاد ایران است وگرنه آمریکایی‌ها در این قضیه فقط ادعا دارند که نگران بالا رفتن توان هسته‌ای ایران هستند. وی ادامه داد: واقعیتی که درحال‌حاضر مردم ایران درک می‌کنند این است که وضعیت روزبه‌روز در حال سخت شدن است. خواه‌ناخواه بخشی از این وضعیت اقتصادی به صادرات و واردات کشور مرتبط است که این مساله به مذاکرات بستگی دارد حال چه ما بخواهیم چه نخواهیم متأسفانه نتایج مذاکرات روی این‌گونه مسائل تأثیر دارد؛ زیرا اگر تحریم‌های بانک مرکزی لغو نشود ما همچنان باید برای دور زدن تحریم‌ها، هزینه‌های قابل توجهی پرداخت کنیم. بهشتی‌پور اظهار کرد: نکته بعدی، صادرات نفت است که البته در این‌باره، آمریکایی‌ها تاحدودی با تساهل برخورد می‌کنند؛ چون نمی‌خواهند شوک بیشتری به بازار انرژی وارد شود. با توجه به اینکه درحال‌حاضر جنگ اوکراین مطرح است؛ ازاین‌رو، وضعیت بازار نفت و گاز تا حدود زیادی متشنج شده است. در نتیجه آمریکایی‌ها در ارتباط با این موضوع، به ایران فشار وارد نمی‌کنند. در این شرایط، نیاز است از سوی دو طرف انعطافی ایجاد شود تا برجام از کُما خارج شود. هرچند مجلس سنا تحریم‌های جدید را تصویب کرده است. وی در این خصوص که با این بن‌بست ممکن است برجام از بین برود و چه خطراتی ایران را تهدید می‌کند تصریح کرد: از ابتدا، یکی از مشکلاتی که در ایران در مورد برجام داشتیم این بود که بیشتر روی بحث اقتصادی برجام مانور داده شد چون می‌خواستند استفاده‌های تبلیغاتی از برجام کنند و در نتیجه بیشتر وجوه اقتصادی برجام مدنظر بود این درحالی است که یکی از موضوعات مهم برجام، بُعد امنیتی آن است اینکه ایران تحت فصل هفتم منشور ملل متحد قرار گیرد یک تهدید جدی است در واقع اینکه کشوری به عنوان تهدیدکننده صلح و امنیت بین‌المللی شناخته شود تهدید جدی علیه آن کشور محسوب می‌شود.

دکتر مجید ابهری در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

ضرورت فوری ورود نخبگان؛ - گرانی‌ها «بحران روانی» را تشدید می‌کند

برخی مفسدان اقتصادی با سرنوشت سیاسی جامعه بازی می‌کنند

نخبگان در جریان جزئیات تصمیمات قرار گیرند

بزرگنمایی درباره گرانی‌ها به روان مردم آسیب می‌زند

باید ریشه‌های این گرانی‌ها را پیدا کنیم

آرمان ملی – احسان انصاری: افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز مردم و روند تصاعدی گرانی‌ها چه پیامدهای اجتماعی برای جامعه خواهد داشت؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤال و تحلیل و بررسی پیامدهای گرانی‌ها با دکتر مجید ابهری جامعه‌شناس و رفتارشناس اجتماعی گفت‌وگو کرده است. دکتر ابهری معتقد است: «برخی نخبگان، اندیشمندان و دلسوزان که امروز در حاشیه نشسته‌اند باید به میدان بیایند تا مشکلات مردم را حل کنند. امروز مسأله اصلی کشور قوت لایموت و سلامتی مردم است. معیشت مردم نباید فدای سلایق سیاسی شود. همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم. به همین دلیل اگر این کشتی سوراخ شود، هیچ فردی جان سالم به در نخواهد برد.» در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

نوسان قیمت‌ها و افزایش گرانی‌ها چه پیامدهای اجتماعی به همراه خواهد داشت و چالش‌های اقتصادی چالش‌های اجتماعی را افزایش خواهد داد؟

واقعیت این است که گرانی‌ها، زندگی مردم را سخت و چالش‌های زیادی را در زندگی آنها ایجاد کرده است. امروز تعداد فقرا نسبت به گذشته بیشتر شده و بسیاری از افراد که تا دیروز در وضعیت مناسبی زندگی می‌کردند، به دلیل گرانی‌ها با چالش‌های جدیدی مواجه شده‌اند. اگر واقعا مسئولان با دوراندیشی چنین تصمیم‌هایی می‌گیرند، باید نخبگان جامعه را از جزئیات تصمیمات خود آگاه کنند تا نخبگان در جریان روند امور باشند. متأسفانه عده‌ای اجازه نمی‌دهند وعده‌های انتخاباتی آقای رئیسی در زمینه‌های مختلف به‌خصوص اقتصادی محقق شود. شعارهای مهم آقای رئیسی در انتخابات مبارزه با فساد، مقابله با گرانی و جلوگیری از رشد بی‌رویه ارزاق عمومی بود اما گرانی وجود دارد و اکنون به نان رسیده است. برخی باید بدانند که نمی‌توان با نان به عنوان قوت اصلی مردم، شوخی کرد. این در حالی است که نباید تصمیماتی گرفته شود که نگرانی مردم را بیشتر کند بلکه باید نگرانی‌های مردم را کاهش داد.

فشار و نگرانی‌های ناشی از مشکلات اقتصادی چه تأثیری در رفتار اجتماعی آنها خواهد داشت؟

برخی اخبار سبب نگرانی و استرس مردم می‌شود و این نگرانی‌ها در رفتار اجتماعی آنها تأثیر منفی می‌گذارد. به‌عنوان نمونه هنگامی که خبری منتشر می‌شود، مبنی بر اینکه در یک کارخانه ماکارونی ۶۷۰ تن ماکارونی احتکار شده، تأثیر منفی بر روح و روان مردم می‌گذارد و مردم را نسبت به آینده بدبین می‌کند. آیا مدیران یک کارخانه باید به خود اجازه دهند که اقلام موردنیاز مردم را احتکار کنند تا سود بیشتری به دست بیاورند و آیا چنین افرادی به پیامدهایی این اقدام فکر کرده‌اند که ممکن است چه پیامدهایی برای زندگی مردم داشته باشد. واقعیت این است که برخی مفسدان اقتصادی با سرنوشت سیاسی جامعه بازی می‌کنند. نکته قابل تأمل اینکه برخی کشورهای همسایه ما نیز تورم و گرانی دارند. در برخی مواقع حتی میزان گرانی‌های آنها از ایران نیز بیشتر است. با این وجود به دلیل اینکه شبکه‌های معاند رسانه‌ای علیه آنها تبلیغ نمی‌کنند، کسی از وضعیت آنها مطلع نیست. این در حالی است که شبکه‌های معاند خارجی شبانه‌روز وضعیت بازار ایران را آشفته و خراب نشان می‌دهند که این موضوع آسیب‌های زیادی به روان مردم وارد می‌کنند. شرایط به نحوی است که گرانی‌ها و وضعیت اقتصادی مردم دیگر مسائل جامعه را نیز تحت تأثیر قرار داده است. به‌عنوان‌مثال آلودگی هوا که آسیب‌های زیادی به سلامتی مردم می‌زند، کمتر مورد توجه است این در حالی است که آلودگی هوا که بیشتر ناشی از عدم برنامه‌ریزی و تصمیمات نادرستی بوده که درگذشته گرفته شده و سلامتی مردم را با مخاطره مواجه می‌کند. باید به‌جای حرف زدن، تعارف و تبلیغ، از نخبگان و متخصصان استفاده شود تا مشکلات کاهش پیدا کند.

> واقعیت این است که برخی مفسدان اقتصادی با سرنوشت سیاسی جامعه بازی می‌کنند. نکته قابل تأمل اینکه برخی کشورهای همسایه ما نیز تورم و گرانی دارند. در برخی مواقع حتی میزان گرانی‌های آنها از ایران نیز بیشتر است. با این وجود به دلیل اینکه شبکه‌های معاند رسانه‌ای علیه آنها تبلیغ نمی‌کنند کسی از وضعیت آنها مطلع نیست. این در حالی است که شبکه‌های معاند خارجی شبانه‌روز وضعیت بازار ایران را آشفته و خراب نشان می‌دهند که این موضوع آسیب‌های زیادی به روان مردم می‌زند

آیا این اتفاق در دولت سیزدهم رخ‌داده است؟

اگر دولت می‌خواهد مشکلات مردم را حل کند باید بدون توجه به سلیقه سیاسی نخبگان و تنها بر اساس تخصصی که دارند از آنها استفاده کند. امروز ما با گرانی‌های لحظه‌ای مواجه هستیم. در مرحله نخست ما باید ریشه‌های این گرانی‌ها را پیدا کنیم و سپس برای آن برنامه‌ریزی کنیم. بدون تردید پیدا کردن ریشه‌های این گرانی‌ها کار سختی نیست. با این‌وجود پیدا کردن راه‌حل برای این گرانی‌ها مستلزم این است که برنامه‌ریزی دقیق و بلندمدتی وجود داشته باشد. نخبگان، اندیشمندان و دلسوزان که امروز در حاشیه نشسته‌اند باید به میدان بیایند تا مشکلات مردم را حل کنند. امروز مسأله اصلی کشور قوت لایموت و سلامتی مردم است. نباید موضوعات معیشتی فدای سلایق سیاسی شود. همه ما در یک کشتی نشسته‌ایم. به همین دلیل اگر این کشتی سوراخ شود یا اینکه شکسته شود اینکه کسی از آن جان سالم به در ببرد، دشوار خواهد بود. انتشار برخی اخبار درباره ارقام اختلاس‌ها و خروج ارز از کشور در شرایط کنونی موجب ناراحتی مردم می‌شود. بسیاری از مردم به دنبال امنیت غذایی هستند.

مهم‌ترین پیامدهای اجتماعی فقر در جامعه چیست؟

افزایش قیمت کالاهای مورد نیاز مردم به‌خصوص در دو سال اخیر که کشور با شیوع ویروس کرونا مواجه بوده و بسیاری از مشاغل تعطیل شدند باعث شده تعداد فقرا در جامعه بیشتر شود و این مسأله‌ای غیرقابل کتمان است. زمانی می‌توانیم ادعا کنیم که فقر در جامعه کاهش پیدا کرده که اقشار آسیب‌پذیر جامعه بتوانند با دستمزدی که می‌گیرند حداقل نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. فقر یک مقیاس چندبعدی است که بر اساس شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه تعریف می‌شود. خط فقر یک مرزبندی فرضی بین توانستن و نتوانستن در تأمین نیازهای اساسی و اصلی است و در جوامع مختلف همراه با مفاهیم دیگری مطرح می‌گردد. در کشور ما به علت شدت و ضعف وضعیت اقتصادی ناشی از عوارض جنگ تحمیلی و سال‌ها تحریم‌های ظالمانه و غیرانسانی، به مرزبندی فرضی خط فقر محور دیگری به نام خط فقر مطلق نیز افزوده شده است. در جوامع دیگر معمولا سه لایه اقتصادی ضعیف، متوسط و خوب مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد که متأسفانه به خاطر رخدادها و شرایط یاد شده در کشور ما، فقط دوطبقه غنی و فقیر وجود داشته و تقریبا اکثر نظریه‌پردازان جامعه‌شناسی اقتصادی، این طبقه‌بندی نظری را پذیرفته‌اند. معمولا نهادهای اقتصادی و سازمان‌های متولی در این زمینه‌ها در هر فصل، سطح درآمد برای تبیین این طبقات را تعیین و اعلام می‌کنند. در حال حاضر بر اساس اعلام نهادهای یادشده، میزان حقوق و درآمد ماهیانه برای قرار گرفتن در مرزبندی خط فقر ۱۱ میلیون تومان تعیین گردیده است. تعیین کنندگان این میزان از حقوق بسیاری از افراد شاغل و بازنشسته اطلاع ندارند وگرنه باید متوجه می‌شدند که بازنشستگان که سهم مهمی در میان اقشار اجتماعی را دارند، حقوقشان کفاف زندگی‌شان را نمی‌دهد. علاوه بر نکات تأسف‌آور یاد شده از آنجا که سنین سالمندی دوران آشکار شدن و بیماری‌های مختص این سنین مثل فشارخون، دیابت، دردهای استخوانی و بیماری‌های عصبی و قلبی است که هزینه‌های آنها مزید بر مخارج دیگر است. بر اساس واقعیت‌های ملموس و موجود، اینک خط فقر مطلق نیز به شاخص‌های یادشده افزوده شده است. اگر همین یازده میلیون تومان را مرز خط فقر بپذیریم، ۶۰درصد جمعیت کشور زیرخط فقر قرار دارد.

در این زمینه چه توصیه‌ای به مسئولان دارید؟

خط و خط کشی‌های اقتصادی معمولا بر اساس استانداردها و تعاریف ثابت علمی تبیین و عرضه می‌گردد. یکی از این معیارها که شرایط اقتصادی یک کشور، بانی تعیین آن است، خط فقرِ است. در تمام کشورها نهادها و سازمان‌های پولی و اقتصادی، متولی تعیین این خط مهم بوده و تولید ناخالص ملی، درآمد سرانه و شاخص‌های مالی دیگر مثل قدرت خرید، شاخص‌های عمده و خرده‌فروشی و نرخ تورم نیز در این محورها در نظر گرفته می‌شود. در برخی مقاطع برخی از این معیارها دستخوش تعیین و عرضه شخصی شده و با قطعیت یافتن، برای مدتی مشخص و محدود کاربرد پیدا می‌کنند. تعیین و اعلام خط فقر اگر بدون توجه به شرایط ملموس و واقعیات جامعه باشد مشکلات جدیدی در جامعه به وجود می‌آورد. بسیاری از آسیب‌های اجتماعی امروز جامعه ایران ناشی از گرانی است. اقشار بیکار، کم‌درآمد و بازنشسته تأثیرپذیری بیشتری را از گرانی و تورم لجام‌گسیخته در جامعه خواهند داشت. ۷۰ درصد از اضطراب‌ها در میان اقشار کم‌درآمد ناشی از گرانی است. وقتی نان‌آور خانواده توانایی تأمین نیازهای یک خانواده را ندارد، هنگام بازگشت به خانه دچار اضطراب و استرس می‌شود. در پاسخگویی به همسر و فرزندان هم این استرس به سراغ آنها می‌آید. فشارهای روحی و روانی باعث بروز تنش‌های رفتاری می‌شود، این‌گونه افراد با کوچک‌ترین تنش اجتماعی از کوره درمی‌روند. نزاع‌هایی مانند بوق زدن و دعوا بر سر جای پارک ناشی از فشارهای روحی و عصبی است و هیچ‌کسی دلیل خود را مطرح نمی‌کند. بر سر بهانه‌های کوچک همانند سوار و پیاده شدن از ماشین، انتظار برای سوارشدن در تاکسی درگیری لفظی و فیزیکی آغاز می‌شود. بسیاری از زوج‌ها به‌ویژه کسانی که تازه ازدواج کرده‌اند به فرزندآوری تمایل ندارند و خانواده‌های تک‌فرزند هم به فرزندآوری بیشتر فکر نمی‌کنند. وقتی اقلام بهداشتی یا شیر خشک نوزادان با قیمت گزاف عرضه می‌شوند، خانواده‌ها حتی اگر پدر و مادر هر دو شاغل باشند نمی‌توانند هزینه‌ها را تأمین کنند.

> زمانی می‌توانیم ادعا کنیم که فقر در جامعه کاهش پیدا کرده که اقشار آسیب‌پذیر جامعه بتوانند با دستمزدی که می‌گیرد حداقل نیازهای اولیه خود را تأمین کنند. فقر یک مقیاس چندبعدی است که بر اساس شرایط فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی یک جامعه تعریف می‌شود. خط فقر یک مرزبندی فرضی بین توانستن و نتوانستن در تأمین نیازهای اساسی و اصلی است و در جوامع مختلف همراه با مفاهیم دیگری مطرح می‌گردد

علی اصغر زرگر در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

مشکلات سیاست خارجی را لاینحل نگذاریم؛ از جمله «برجام»

باید در خصوص مسائل سیاست خارجی به جمع بندی رسید

آرمان ملی – علیرضا پورحسین: مذاکرات احیای برجام وارد دومین ماهی شده است که بلاتکلیف باقی مانده تا در خصوص آن تصمیمات سیاسی گرفته شود تا شاید از بن بست خارج شود و نتایج ملموسی در پی آن برای کشور رقم بخورد و تا حدودی از سختی زندگی مردم کاسته شود و وضعیت معیشت و اقتصاد مردم بهبود یابد. مشخصا هر قدر هم در داخل تولید داشته باشیم، باید تولیدات را با خارج مبادله کرد که ثروت و سرمایه در داخل کشور ایجاد شود و در همین راستا بسیاری از کارشناسان تاکید دارند که باید قبول کرد که مراوده خارجی مهم است. در همین راستا ابزار ایجاد مراوده خارجی هم مهم است و باید تحریم برداشته شود چون در شرایط تحریم، بانک‌ها نمی‌توانند کار کنند و در مراوده خارجی مشکل ایجاد می‌شود. اصل این است که ما روی استقلال اقتصادی خودمان کار کنیم و برای استقلال اقتصادی احتیاج به مراوده خارجی هم داریم و برای اینکه مراوده خارجی‌مان شکل گیرد، باید تحریم‌ها برداشته شود. گاهی به غلط تصور می‌شود که استقلال اقتصادی به این معنی است که ما درهایمان را روی کشورهای دیگر ببندیم و در همین راستا در ماه‌های اخیر شاهد بودیم که مذاکرات در وین به خوبی پیش نرفت. در راستای بررسی این مساله «آرمان‌ملی» گفت‌وگویی با علی اصغر زرگر، تحلیلگر ارشد مسائل بین‌الملل داشته است که در ادامه می‌خوانید.

امروز مهم‌ترین مانع در مسیر توسعه سیاست خارجی کشور چیست؟

اینکه بسیاری از موارد کشور به سیاست خارجی گره خورده است یک باور است که حتی در کارآفرینان و سرمایه‌گذاران به وجود آمده است که در راستای ارتباط بین‌المللی و حفظ یک نوع خوب از آن باید در سیاست خارجی خود در برخی موارد تجدیدنظر کرد. اگر این اتفاق نیفتد همین کارآفرین و سرمایه‌گذاران نیز به مسیری دیگر کشیده می‌شوند. بنابراین جناح‌های مختلف، دولت فعلی و حتی دولت‌های آینده یقین دارند که برای بهبود وضع کشور و ایجاد یک ثبات نسبی برای بخش خصوصی باید در عرصه بین‌الملل و سیاست خارجی یک رفتار متفاوت از خود نشان دهند و صحبت‌های برخی شخصیت‌های شناخته شده در داخل کشور نیز در همین راستاست. این صرفا مربوط به بیرون از کشور نیست و در داخل نیز باید برخی نگاه‌ها تغییر کند. نیاز است برخی قوانین اقتصادی به گونه‌ای تنظیم شود که جاذب سرمایه‌گذاران باشد و مجلس نیز به عنوان قانونگذار از این عرصه حمایت کند. هیچ‌کس به دنبال فدا کردن منافع ملی نیست و هیچ‌کس قصد تسلیم شدن را ندارد و باید از مسیر دیپلماسی و با یک دید وسیع‌تری روابط خود را ترسیم کنند تا بتوانیم از آن منافع مورد نظر را کسب کنیم. در این عرصه باید هوشمندانه فعالیت کنیم و با ابزارهایی امتیازهایی اخذ کنیم تا به یک برد برد به معنای واقعی دست یابیم و از وضعیت برد و باخت عبور کنیم و در این مسیر بزرگ‌ترین مانع سیاسی بازی است.

آیا این زمینه و این علاقه در خارج از کشور وجود دارد تا با ایران ارتباط گیری شود؟

اینکه بسیاری از مقامات اروپا اعلام می‌کنند که زمان تنگ است و باید سریعا برجام احیا شود، این را نشان می‌دهد که جهان به جمع بندی برای توافق با ایران رسیده است. آنها امروز صحبت از روزها و ساعت‌ها می‌کنند و به دنبال این هستند تا هرچه سریع‌تر برجام را احیا کنند و این خود یک امیدواری مثبت در این عرصه است. این ناشی از هماهنگی نسبی در داخل کشور است و سیاست‌های صبورانه و هوشمندانه‌ای که در ماه‌های اخیر اتخاذ شده است و ضرورت دارد تا در این حوزه تصمیمی اساسی گرفته شود تا این انگیزه برای ارتباط گیری با ایران از بین نرود. باید در این عرصه هماهنگی در داخل کشور داشته باشیم و ضرورت دارد تا در ابتدا در داخل به اجماع رسیده و به وسیله ابزارهایی طرف‌های مقابل را برای توافق به سمت خود بکشانیم. ما نیاز به تجدیدنظر داریم و باید در این خصوص فکر شود. باید مسائل یک بار برای همیشه حل شود. عادی سازی روابط کشورهای عربی با رژیم صهیونیستی یک خطر جدی است و ضرورت دارد تا ایران هرچه سریع‌تر فکری کند تا عرصه بر ایران تنگ نشود. باید از فرصت ایجاد شده برای بهبود روابط با عربستان بهترین استفاده را کنیم. امروز اشتیاق برای گفت‌وگو و ارتباط گیری با ایران است و نباید این فرصت را از بین ببریم.

ضرورت ارتباط گیری با سایر کشورها به صورت عام در چه مواردی است؟

امروز دنیا صرفا جهان گردش اطلاعات نیست و ضرورت دارد تا در تمامی حوزه‌ها ارتباط با خارج از کشور برقرار شود. اقتصاد کشورمان از ابتدای قرن بیستم تا به امروز هر از گاهی با اقتصاد بین‌الملل درگیر شده است و به نحوی گره نیز خورده است. ما در صنعت و نوسازی همه جانبه کشور نه تنها از غرب الگوبرداری کرده‌ایم بلکه به نحوی در درون اقتصاد بین‌الملل ترکیب شده‌ایم به گونه‌ای که بدون آن به مشکل برمی خوریم. این مشکل در تمامی جوانب رسوخ کرده است و به همین علت در این شکی نیست که تمامی جناح‌ها و شخصیت‌ها ضرورت ارتباط گیری با جهان را درک کرده‌اند و امروز ارتباطات بین‌المللی یک ضرورت فراجناحی شده است و می‌دانند اگر می‌خواهند مشکلات را حل کنند ضرورت دارد تا با جهان ارتباط گرفته و در حوزه اقتصاد هم افزایی کنند. امروز تولید داخلی کشور برای توسعه و پیشرفت خود و در راستای سوددهی بیشتر و ارزآوری برای کشور با جهان ارتباط گیرد و اصل توسعه داخل و اتکا به درون نیز از این راه امکان پذیر باشد. امروز ما تولیداتی مازاد بر نیاز داخل داریم و اگر ارتباط جهانی وجود نداشته باشد باز هم در این عرصه مشکل به‌وجود می‌آید. مشخصا بدون موفقیت در مذاکرات وین، رفع تحریم‌ها و انجام مبادله بانکی و مالی با جهان، اقتصاد نمی‌تواند چنین مواردی را مدیریت کند.

چالش‌های سیاست خارجی ایران را چه می‌دانید؟

سیاست خارجی به راس مثلثی می‌ماند که قاعده آن وضعیت بین‌المللی و داخلی است. این موارد در تاثیر گذاری بر هم سیاست خارجی کشور را به‌وجود می‌آورند لذا بدون در نظر گرفتن وضعیت داخلی کشور و محدودیت‌های خارجی نمی‌توانیم تحلیل درستی از سیاست خارجی کشور داشته باشیم. وضعیت داخلی در ایران به گونه‌ای است که بر عکس گذشته مقامات هم امروز مشکلات را بیان می‌کنند. در مورد وضعیت بین‌المللی نیز می‌بینیم تحریم‌ها برقرار هستند و وضعیت تعاملات بین‌المللی کشور با محدودیت‌هایی روبه‌رو است از این رو به راحتی نمی‌توان برای نفت بازاریابی کرد و به فروش رساند و صادرات داشت و در عین حال فشارهای سیاسی وجود دارد. اگر سیاست خارجی را بر این مبنا تحلیل کنیم مساله برجام موضوعی مهم است و صرفا برای ما جنبه اقتصادی ندارد و دارای جنبه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی و تنش زدایی در منطقه و تعامل با کشورهاست لذا اگر برجام به سرانجام مثبتی برسد و امضا شود می‌تواند گره‌گشا باشد و نه تنها برای مسائل اقتصادی تا بتوانیم منبع مهم درآمد ارزی کشور یعنی نفت و میعانات گازی را به‌راحتی بفروشیم و ارز حاصل را به داخل بیاوریم بلکه در سایر موارد و مشکلات نیز می‌تواند گره‌گشا باشد. از این رو به نظر من بیان مشکلات کشور این‌بار از زبان مسئولان و دولتمردان نشانه آماده کردن زمینه برای توجیه توافق احتمالی برجام است، اگرچه که با دادن امتیازاتی و گرفتن امتیازاتی محدود باشد زیرا برجام را گره گشا می‌دانند از نظر منطقه‌ای نیز برجام موجب گره گشایی خواهد بود و خواه ناخواه از تنش‌های منطقه کم می‌کند و ارتباطات ما را با کشورهای همسایه تسهیل می‌کند و مبادلات تجاری بدون مانع صورت می‌گیرد و ارز حاصل به آسانی و بدون هزینه قابل استفاده خواهد بود. همچنین در درازمدت امنیت خاطری به‌وجود می‌آید تا بتوان سرمایه‌هایی را وارد کشور کرد که در کوتاه مدت نمی‌توان چنین پیش بینی‌هایی داشت. لذا نظر من بر این است که مساله برجام تا اوایل فوریه به توافق می‌رسد چون زمینه‌های داخلی فراهم شدن این توافق را نشان می‌دهد. اگر نباید باج و قلدری قدرت‌ها را نخرید اما باید تعاملی سازنده را آغاز کرد و احتمالا توجیه این مساله امروز آسان است.

ارزیابی شما از روابط کشور با کشورهای عربی و شرق آسیا چیست؟

این مرحله به دیپلماسی مثبت و فعال کشور بستگی دارد به این صورت که اگر در بخش‌هایی با کشور چین و روسیه تعامل داریم این تعامل در کشور مبدا یک جانبه نیست. چین به صورت گسترده‌ای با سایر کشورهای دنیا از جمله کشورهای خلیج فارس یا سایر کشورهای خاورمیانه و آمریکا و غرب در تعامل است از این رو تعامل با یک کشور جدا از تعامل با سایر کشورها نیست. لذا در اینجا چنین مساله‌ای مطرح است که کشور را وادار به گسترش تنش‌زدایی در سطوح مختلف می‌کند. توسعه اقتصادی در دنیای امروز بدون تنش زدایی و بدون ایجاد زمینه‌ای آرام برای سرمایه‌گذاری امکان پذیر نیست. از این رو با شروع مذاکرات با غرب تعاملاتی با عربستان و امارات و کشورهای همسایه شروع می‌شود چون خواه ناخواه یک پیوستگی وجود دارد و شما نمی‌توانید به صورت جداگانه با بلوکی رابطه حسنه خوبی برقرار کنید. با وجود اینکه آمریکا رو به افول است و چالش‌ها و مسائلی با روسیه و چین دارد و مجبور است توجه خود را از حوزه خلیج فارس به آسیای جنوب شرقی شیفت بدهد و تمرکز خود را تغییر دهد ولی در عین حال قدرتی است که از نظر اقتصادی درجه یک است و بسیاری از کشورها از سیاست‌های این کشور تبعیت می‌کنند. از این رو هنوز هم مرکز ثقل تجارت و اقتصاد و نفوذ مالی و... در دنیاست. در این میان کشورهایی همچون کشور ما در اینگونه موارد می‌توانند آسیب پذیرتر باشند بنابراین اگر بخواهیم از روابط با چین و روسیه و سایر کشورها بهره کافی ببریم به اجبار باید تنش زدایی را تا سطوح دیگری گسترش بدهیم. اگر برجام به نتیجه‌ای برسد و فواید آن نصیب ملت ایران و نظام بشود موجب گسترش دایره تنش زدایی خواهد شد و به این صورت نیست که برعکس اتفاق بیفتد. در این شکی نیست که طی دهه‌ها به جای جذب حداکثری در صحنه بین‌الملل به نوعی دفع داشتیم ولی امروز وضعیت به گونه‌ای است که کشورها باید با هم همکاری داشته باشند. این موضوع در بیان مسئولان و مقامات عالی رتبه ایران نیز دیده می‌شود که می‌گویند باید تعاملات با دنیا را گسترش داد. زیرا ادامه دادن وضعیت سابق می‌تواند به بحران منجر شود.

بسیاری عقیده دارند خاورمیانه آبستن حوادثی پیش بینی ناپذیر است. آیا در صورت درگیر شدن هر کدام از این کشورها پای ایران هم به میان کشیده می‌شود؟ ایران نشان داده که آغازگر هیچ جنگی نبوده آیا این احتمال وجود دارد که چنین درگیری‌هایی خواه ناخواه ایران را نیز وارد ماجرا کند؟

دخالت کشوری در کشورهای دیگر و در منطقه معمولا به قدرت و نفوذ آن کشور بستگی دارد منظور از قدرت نظامی و اقتصادی است و یا نفوذ فرهنگی مطرح است. از دیرباز انگلیسی‌ها اصول کلی در مورد ایران داشتند و جالب است که به نظر می‌آید آمریکایی‌ها و غربی‌ها هنوز هم تا حدودی به این اصول کلی در مورد ایران پایبند هستند. این اصول تا حدود زیادی تغییر کرده است چون خواه ناخواه مراکز قدرت جهانی تغییر کردند و مراکز نفوذ تغییر کرده است و تغییرات عمده‌ای در موازنه قدرت بین‌المللی رخ داده است ولی اصول کلی در رابطه با ایران به این صورت بود که غرب معمولا بر این نظر بود که ایران در محدوده جغرافیایی حفظ شود. با وجود اینکه در زمان‌های قدیم بخش‌هایی از ایران توسط روسیه گرفته شده و بخش‌هایی به دست عثمانی افتاد و در رابطه با هند و افغانستان و... انگلیس بخش‌هایی را گرفته است. غرب مایل به حفظ ایران در چارچوب فعلی است چون در منطقه به این ثبات نیاز دارند تا کشوری به این شکل و با این قدرت و چارچوب در منطقه حضور داشته باشند. مساله دوم این است که غرب و آمریکا از دهه‌های گذشته بر این نظر هستند که باید حکومت قدرتمند و در عین حال دوستانه‌ای در تهران وجود داشته باشد. یعنی دولتی دوست در ایران داشته باشند و هر زمان که دولتی بر سر کار آمده و به نوعی منافع غرب را به چالش کشیده است از جمله در دوران مرحوم امیرکبیر و مرحوم دکتر مصدق و در مورد انقلاب اسلامی ۵۷ که منافع غرب به چالش کشیده شده است سعی کردند تغییراتی ایجاد کنند تا شرایط به نفع منافع غرب تغییر کنند. کودتاهایی که انجام شده است و قتل‌ها و همه به دلیل این موضوع است. از این رو غرب چیزی بیش از این از جمهوری اسلامی نمی‌خواهد که حکومتی نه در حد عربستان ولی به شکلی باشد که کاری به کار منافع استراتژیک غرب در منطقه نداشته باشد.

محسن هاشمی از جلسه با رئیس جمهور روایت کرد:

دوراهی سخت رئیسی

بعد از ظهر شنبه بیست و هشتم ماه مبارک رمضان بود که از دفتر رئیس جمهور تماس گرفتند برای افطار جمعی از فعالان سیاسی با رئیس جمهور دعوت کردند، دعوت را قبول کردم و به‌خاطر هوای بارانی و افزایش ترافیک چنددقیقه‌ای دیرتر از زمان تعیین شده به ریاست جمهوری رسیدم و در این فاصله از دفتر ایشان تماس گرفتند تا مطمئن شوند به جلسه می‌آیم یا خیر، چند نفر از مهمانان دیگر نیز در صحبت‌هایشان از اینکه به‌خاطر دعوت دیرهنگام در این جلسه به افطاری‌های خانوادگی و کاری وعده داده شده که حتی خودشان میزبان بودند، نتوانستند بروند، مانند خود من که برای افطار بنیاد بیماری‌های خاص به عنوان یکی از میزبانان برنامه داشتم و از لزوم هماهنگی بیشتر در برنامه‌های دفتر رئیس‌جمهور حکایت داشت. فرصت کوتاهی در حد سه دقیقه برای هر یک از حضار جهت صحبت وجود داشت که نهایتا به پنج دقیقه می‌رسید و به حدود یک چهارم مهمانان نیز زمان نرسید، در صحبت‌های چند دقیقه‌ای هر یک از چهره‌های سیاسی نکات مفیدی وجود داشت که توسط آقای رئیسی و دفتر ایشان ثبت می‌شد و بخشی از آن هم در رسانه‌ها انعکاس یافته است، نکته‌ای که من به آن اشاره داشتم لزوم توجه به بحران‌های همزاد و هم افزا بود که جامعه ایران را احاطه کرده است. بحران‌های همزاد و هم افزا، چالش‌هایی هستند که ظهور همزمان آنها با یکدیگر موجب تشدید و اثر افزایشی روی هم می‌گردد، در جامعه امروز ما شاهد چالش‌هایی نظیر بیکاری، رکود، تورم، کسری بودجه، آسیب‌های اجتماعی، کاهش اعتماد امیدی، سقوط ارزش پول ملی، فرار سرمایه، مهاجرت نخبگان، تحریم، ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی، بی‌ثباتی اقتصادی، حاشیه نشینی ۱۵ میلیون نفری والتهابات اجتماعی و در نهایت فقر فزاینده هستیم که هریک از اینها می‌تواند موجب تشدید دیگری بشود و یک لوپ منفی را در کل جامعه شکل دهد که در نهایت به سیر منفی سرمایه اجتماعی بیانجامد هر جامعه‌ای با دو یا چند عنوان از این آسیب‌ها مواجه باشد باید اعلان وضعیت خطر کند. پس از برگزاری نماز جماعت و صرف افطار به سراغ آقای رئیسی رفتم و در گفت‌وگویی سرپایی وکوتاه به ایشان خبر دادم که برای نخستین بار و پس از ۲۳ سال، خاطرات روزنوشت آیت ا... هاشمی رفسنجانی، توسط وزارت ارشاد دولت ایشان دچار ممیزی شده است و لیستی بلند بالا و در حدود صد مورد از مقدمه و متن و پاورقی را برای حذف و اصلاح به دفتر نشر معارف انقلاب به عنوان ناشر این کتاب ابلاغ کرده‌اند که منجر به آسیب دیدن بخش مهمی از تاریخ انقلاب خواهد شد و همانجا نامه‌ای تنظیم و به رئیس دفتر ایشان دادم. اما شاید مهم‌ترین نکته این مراسم، نه سخنان رسمی مطرح شده در نشست و نه گفت‌وگوهای حاشیه آن، بلکه شرایط عجیب و سختی بود که آقای رئیسی در آن قرار گرفته است و این شرایط را به‌خوبی می‌توان در چهره، سخنان و زبان بدن ایشان حس کرد.

دو راهی سخت رئیسی

نام آقای رئیسی از حدود سی سال قبل در خاطرات آیت ا... هاشمی رفسنجانی، ذکر شده است و ایشان به‌عنوان رئیس بازرسی کل کشور دیدارهای زیادی با آیت ا... داشته است و همواره آیت ا... هاشمی از آقای رئیسی به‌عنوان چهره‌ای معتدل و مثبت یاد کرده است اما در این مراسم از نزدیک احساس کردم که آقای رئیسی به‌گونه‌ای در محاصره مشکلات و تنگنا و محدودیت‌ها قرار دارد که نه می‌تواند به سمت حل مشکلات برود و نه با مردم در میان بگذارد. البته روسای جمهور پیش از این نظیر آقای خاتمی و روحانی نیز کما بیش در چنین شرایطی بوده‌اند اما تفاوت عمده آنها با آقای رئیسی در این بود که بدنه اجتماعی حامی آنها و جریان سیاسی اطرافشان، به نوعی تنگناهای ایجاد شده برای رئیس‌جمهور را درک کرده و در جهت عبور از آن با رئیس‌جمهور همراهی و حمایت می‌کرد اما آقای رئیسی با مشکلات و موانعی مواجه است که نه می‌تواند به‌تنهایی آنها را حل کند و نه از سوی حامیانش برای حل آنها حمایت می‌شود. به‌خصوص در شرایط اخیر که مهم‌ترین مشکل کشور گرانی‌های بی‌سابقه و تشدید تورم همراه با تحریم‌ها است که یکی از راه‌حل‌های سریع و موثر مدیریت این شرایط پذیرش توافق هسته‌ای و افزایش درآمد ارزی کشور است اما جریان سیاسی حامی آقای رئیسی که هویت خود را در مخالفت با برجام می‌بینند نه تنها از پذیرش این توافق حمایت نمی‌کند بلکه حتی اگر اعضای دولت آقای رئیسی در جهت حل آن گام بردارند اقدام به تخریب آنها می‌کند و در مقابل نسخه‌ای نیز برای حل مشکلات شدید معیشتی مردم جز شعارهای کلی ارائه نمی‌کند. شاید آقای رئیسی، نخستین رئیس دولتی باشد که در فاصله ۹ ماه از آغاز مسئولیتش، در یک دو راهی سخت قرار گرفته است: اگر در جهت پذیرش توافق هسته‌ای حرکت کند از سوی برخی جریان‌های سیاسی حامی‌اش متهم به سازشکاری و ادامه راه لیبرال‌ها و غربگراها می‌شود و اگر تحریم‌ها را رفع نکند و مشکلات اقتصادی تشدید شود، از سوی مردم متهم به خلف وعده و پیمان شکنی در جهت کاهش تورم وحل مشکلات اقتصادی می‌گردد. سختی این دوراهی و تنگنا را در همان دقایق کوتاهی که در حال گفت‌وگو با آقای رئیسی بودم در چهره ایشان می‌دیدم و روز بعد از ملاقات که اخبار افزایش قیمت ماکارونی و نان صنعتی منتشر شد و با واکنش شدید افکار عمومی در فضای مجازی همراه گردید، این سختی را بیشتر حس کردم. شاید اکثر چهره‌های اصلاح‌طلب حاضر در مراسم نیز چنین احساسی داشتند، اگرچه ما خود را در جریان سیاسی آقای رئیسی تعریف نمی‌کنیم اما حساسیت و خطرات باقی ماندن در این دوراهی سخت برای کل جامعه و آینده نظام را درک می‌کنیم اقتصاد طبقات متوسط و فقیر جامعه بیشتر از این تاب تحمل فشارها و نوسانات را ندارد. اگر جریانات سیاسی تندرو اصولگرا از واقعیات نگران کننده‌ای که مدیران دولت آقای رئیسی با آنها مواجه هستند، آگاه بودند، شاید اینگونه بر تنور شعار نمی‌دمیدند و می‌دانستند که ما همه با هر سلیقه و نگاه سیاسی، سوار کشتی جامعه ایران هستیم و اگر این کشتی نتواند فشار طوفان اقتصادی را تحمل کند، سرنوشت مشترکی در انتظار ماست.

جستار

امیرعلی ابوالفتح مطرح کرد:

مهم‌ترین هدف غرب کاهش قدرت ملی روسیه است

یک کارشناس روابط بین‌الملل در بررسی جنگ روسیه و اوکراین اظهار داشت: جنگ اوکراین در سال ۲۰۱۴ و زمانی که تصمیم گرفت مجددا به ناتو بپیوندد، شروع شد و کریمه را ضمیمه خودش کرد و دو منطقه لوهانسک و دونتسک اعلام استقلال کردند و جریان‌های جدایی‌طلب در شرق اوکراین فعال شد. این مناقشه از آن زمان وجود داشت تا این که در نهایت در سال ۲۰۲۲ نیروهای روسیه از مرزهای اوکراین عبور کردند و شاهد این جنگ هستیم. امیرعلی ابوالفتح گفت: روسیه در این چند سال و حتی زمان حمله، مهم‌ترین خواسته‌اش این بود که مانع از پیوستن اوکراین به ناتو شود و اوکراین الحاق کریمه به روسیه را بپذیرد. اخیرا با حمایت‌های غرب از اوکراین، اهداف روسیه از حمله نیز تغییر کرده و در پی تغییر رژیم در اوکراین هم است. همین نازی‌زدایی که مطرح می‌کنند این است که بتوانند یک رژیم‌چنج انجام دهند. از همین‌رو نمی‌توان زمان مشخصی برای پایان این جنگ متصور شد، چراکه روسیه هم خواهان برداشته شدن تحریم‌هاست. وی با بیان اینکه طرف روسی هم اهدافش در این جنگ تغییر کرده است، بیان کرد: در ابتدای حمله روس‌ها به اوکراین، غربی‌ها به رهبری ایالات متحده، مطرح می‌کردند که استقلال و تمامیت ارضی اوکراین باید تضمین شود و نیروهای روسیه از خاک اوکراین خارج شوند. اکنون اما با توجه به طولانی شدن جنگ و هزینه‌های سنگینی که روسیه متحمل شده است، اهداف غرب هم تغییر کرده که مهم‌ترین آن کاهش قدرت ملی روسیه است. به نحوی که روس‌ها دیگر اتفاقات اوکراین را تکرار نکنند و این تا تغییر رژیم در روسیه هم پیش خواهد رفت که پوتین از قدرت کنار رود و روسیه به حدی تضعیف شود که بعد از جنگ اوکراین، دیگر روسیه، آن روسیه سال ۲۰۲۲ نباشد که به راحتی بتواند دیگر کشورها را تهدید کند. الان روسیه و آمریکا به سمت رادیکالیسم رفته‌اند و این شانس رسیدن به صلح را سخت‌تر می‌کند. وی ادامه داد: شرایطی که دو طرف دارند، بسیار دشوار است، چراکه نه اوکراین حاضر است رژیم تغییر کند و به بلاروس دوم تبدیل شود و از آن سو کاهش قدرت روسیه که سلاح هسته‌ای هم دارد، بسیار مخاطره‌آمیز است. روسیه کشوری نیست که با لشکرکشی بتوان آن را تغییر داد، چراکه امکان جنگ سوم جهانی و هسته‌ای را به وجود می‌آورد. پافشاری در این شروط، چشم‌انداز تیره و تار برای جنگ روسیه و اوکراین متصور است. ابوالفتح با بیان اینکه جنگ‌ها به راحتی آغاز می‌شوند، اما پایان آنها اصلا راحت نیست و بعضا شروع‌کننده‌های جنگ، پایان دهنده آن نیستند، گفت: اگر تصمیم غرب تضعیف بیشتر قدرت روسیه باشد، این جنگ ممکن است سال‌ها به طول بینجامد، از همین‌رو بعید است این جنگ حداقل تا یک سال آینده تمام شود؛ مگر اینکه تغییرات بنیادینی انجام شود. این کارشناس بیان کرد: اصولا نظام بوروکراتیک ایالات متحده آمریکا برای تنظیم و اعمال تحریم طراحی شده است. اما برای برداشتن تحریم‌ها کار بسیار سخت است، مثلا همان وزارت خزانه‌داری آمریکا که به راحتی تحریم اعمال می‌کند، آموزشی برای برداشتن تحریم‌ها ندیده است. مثلا تحریم‌ها علیه ایران روزانه اعمال می‌شد و همچنان هم می‌شود، اما برای برداشتن آنها، سال‌ها طول کشید، چراکه سیاست‌هایی برای برداشتن آن دیده نشده است؛ بنابراین فکر نمی‌کنم تحریم‌هایی که علیه روسیه اعمال شده است به این زودهای برداشته شود. تحریم‌ها جنگ اقتصادی و منابع محدود جهانی است. حتی ممکن است جنگ تمام شود، اما تحریم‌ها سال‌ها ادامه داشته باشد. اکنون در کوبا خبری از فیدل کاسترو نیست و چند دهه از آن می‌گذرد، اما تحریم‌ها همچنان ادامه دارد و به بهانه‌های مختلف، تحریم‌ها تمدید می‌شود. وی با بیان اینکه روسیه ممکن است بگوید عملیات نظامی به پایان رسیده است، اما با این حجم از تسلیحاتی که غرب به اوکراین داده است، اوکراینی‌ها حاضر نیستند که خاکشان به تصرف روسیه دربیاید، عنوان کرد: روسیه حاضر است برای حفظ کریمه خون بدهد و اوکراین هم، چون شکست نخورده است، حاضر به دادن خاک خود به روسیه نیست از این رو پایان جنگ متصور نیست. البته دیگر اوکراین هم کاره‌ای در این جنگ نیست و جنگ میان قدرت‌هاست. اکنون زلنسکی مذاکراتی با روس‌ها دارد که اگر این مذاکرات مورد تایید غرب نباشد، حتی حاضر به حذف فیزیکی زلنسکی خواهند بود، چرا که اهداف بزرگ‌تری وجود دارد که باید محقق شود از جمله کاهش قدرت روسیه به عنوان قدرت انرژی که دارد.

خبر

علی بیگدلی:

ایران مذاکراتی محرمانه از طریق چند کشور با آمریکا دارد

یک کارشناس روابط بین‌الملل، در آغاز درباره وضعیت فعلی برجام گفت: الان ما یک مذاکرات محرمانه‌ای با آمریکا از طریق چند کشور داریم اما اخیرا در بیانیه و توافقی که تعداد زیادی از نمایندگان جمهوریخواه تصویب کردند، خطاب به بایدن اعلام شده است که حق نداری با ایران وارد مذاکراتی در راستای خروج سپاه از تحریم شوی. علی بیگدلی اظهار داشت: البته جنبه قانونی ندارد و رئیس‌جمهور آمریکا می‌تواند توجهی به آن نکند اما هر روز لابی‌های یهودی و جناح راست در آمریکا بایدن را تحت فشار قرار می‌دهند و ایران را نیز تهدید می‌کنند که اگر بایدن هم توافق کند رئیس‌جمهور بعدی که جمهوری‌خواه خواهد بود این فرمان اجرایی را لغو خواهد کرد؛ بنابراین ایران در یک دوراهی بسیار آزار دهنده‌ای قرار گرفته است. وی افزود: در نتیجه به این دلایل صحبتی از برجام نیست البته ایران اعلام کرده بود که محور مذاکرات ما در حوزه هسته‌ای خواهد بود و آنها نیز در وین مذاکرات را در حوزه مسائل هسته‌ای حل کردند و در آخر اعلام شد که همه تحریم‌ها باید لغو شود بنابراین تقاضا ایران که سپاه باید از لیست تحریم‌ها خارج شود صحنه را تغییر داد. به‌نظر نمی‌رسد آمریکا این کار را بکند و پیشنهاد کرده اگر قرار است سپاه از لیست تحریم‌ها خارج شود باید دولت ایران تعهد دهد سپاه در منطقه دست به فعالیت نزند. وی درباره تاثیر فشار معیشت بر دولت افزود: ایران تا زمانی که از برجام موفق بیرون نیاید امکان ندارد مشکلات اقتصادی ما حل شود و به معیشت سر و سامان دهیم چون تحریم‌ها بسیار آزاردهنده است.